

ORIGINAL ARTICLE

Investigating the oldest historical document related to Imamzadeh Ali Ibn Bagher's place of martyrdom

Mahmood Sadeghi Alavi

Assistant Professor of history and civilization of Islamic nations, Payam Noor University, Tehran, Iran

Correspondence:
Mahmood Sadeghi Alavi
Email: Alavi@pnu.ac.ir

Received: 01 Jan 2024
Accepted: 22 Apr 2024

How to cite
Sadeghi Alavi, M (2024). The Consequences of the Occupation of Qazvin by the Allies in World War II. Iran Local Histories, 12(1), 65-74. (DOI: [10.30473/lhst.2024.70136.2883](https://doi.org/10.30473/lhst.2024.70136.2883))

ABSTRACT

Imamzadeh Ali Ibn Bagher is one of the most famous Imamzadehs of Kashan region that despite his fame and importance, not much scientific historical research has been done on him. Diwan Abulreza Ravandi is one of the oldest written sources that provides researchers useful information about him and can be studied as a historical document. Analytical investigation of Ravandi's references to the imamzadeh in various poems is the issue of interest in this research. By analyzing the historical data of Rawandi in relation to Ali Ibn Bagher in the three areas of lineage, tomb and age, as well as some hadiths attributed to the imamzadeh's place of martyrdom, we can conclude that apparently in the sixth century, the attribution of the imamzadeh to Imam Bagher was very famous. Also, Imamzadeh's shrine was rebuilt during this period and his place of martyrdom which is known Mashhad Ardahal, was known only as Barkers or Barkersef Mashhad and probably as a result of the urban development of the contemporary period, it became famous as Ardahal. It is worth mentioning that about some hadiths mentioned in this regard, we should reflect more.

KEYWORDS

Abulreza Ravandi, Mashhad Barkers, Ali IBn Bagher, Mashhad Ardahal.

«مقاله پژوهشی»

بررسی قدیمی‌ترین سند تاریخی در رابطه با مشهد امامزاده علی بن باقر (ع)

محمود صادقی علوی

استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه پیام
نور، تهران، ایران

نویسنده مسئول:

محمود صادقی علوی

رایانامه: Alavi@pnu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

استناد به این مقاله:

صادقی علوی، محمود (۱۴۰۳). بررسی

تحلیلی-تاریخی قدیمی‌ترین سند تاریخی در

رابطه با مشهد امامزاده علی بن باقر. فصلنامه

علمی پژوهشنامه تاریخ‌های محلی ایران،

۱۱۲(۱)، ۶۵-۷۴.

(DOI:10.30473/lhst.2024.70136.2883)

چکیده

امامزاده علی بن باقر یکی از مشهورترین امامزاده‌های منطقه کاشان است که علیرغم شهرت و اهمیت، پژوهش‌های تاریخی علمی چندانی در رابطه با وی انجام نشده است. دیوان ابوالرضا راوندی از قدیمی‌ترین منابع مکتوبی است که در رابطه با مشهد این امامزاده اطلاعات مفیدی در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد و به‌عنوان یک سند تاریخی قابل بررسی است. بررسی تحلیلی اشاره‌های راوندی در قصاید مختلف به این امامزاده مسئله مورد توجه در این پژوهش است. با تحلیل تاریخی داده‌های راوندی در رابطه با علی بن باقر در سه حوزه نسب، مقبره و قدمت و همچنین برخی احادیث منتسب به مشهد این امامزاده می‌توان نتیجه گرفت که ظاهراً در قرن ششم انتساب این امامزاده به امام باقر شهرت فراوان داشته است. همچنین بارگاه مرقد امامزاده در این دوره بازسازی می‌شود و مشهد وی برخلاف امروزه که به مشهد اردهال معروف است تنها به مشهد بارکرز یا بارکرسف مشهور بوده و احتمالاً در نتیجه توسعه شهری در دوره معاصر به اردهال شهرت یافته است. شایان ذکر است که برخی احادیث ذکر شده در این رابطه محل تأمل بیشتر است.

واژه‌های کلیدی

ابوالرضا راوندی، مشهد بارکرز، علی بن باقر، مشهد اردهال.

مقدمه

بررسی وضعیت امامزاده‌ها به ویژه در مناطق مختلف ایران گامی ارزشمند در جهت روشن شدن ابعاد مختلف تاریخ تشیع در این قسمت از جهان اسلام خواهد بود. وجود تعداد زیادی از بقاع امامزاده‌ها در نقاط مختلف کشور مؤید این مسئله است. اما آنچه در این باب دارای اهمیت فراوان است توجه به این نکته است که در رابطه با اکثر این امامزاده‌ها هیچ پژوهش تاریخی علمی صورت نگرفته و مهم‌تر از آن در رابطه با تعداد زیادی از آنها تقریباً اسناد تاریخی چندانی وجود ندارد.

شرایط سیاسی حاکم بر جهان اسلام و غلبه حکام سنی‌مذهب در قسمت اعظم تاریخ اسلام و بر قسمت اعظم جهان اسلام تا حد زیادی گمنام بودن بسیاری از این شخصیت‌ها را توجیه می‌کند. در دوران خلافت بنی‌امیه و بعد از آن بنی‌عباس، شرایط بسیار سختی برای شیعیان به ویژه در منطقه شیعه‌نشین مثل عراق ایجاد شد و وجود چنین شرایطی زمینه‌ساز مهاجرت گروهی از علویان به مناطق دور از مرکز خلافت مثل ایران شد (رک: جعفریان، ۱۳۸۷، ۲۱۴). این افراد هم به لحاظ سیاسی و هم به لحاظ عقیدتی از مخالفان حکومت وقت محسوب می‌شدند و طبیعی بود که هم خود آنها زندگی دور از حاشیه‌ای داشته باشند و هم مورخان مسلمان که عمدتاً مرتبط با دربارهای حکومتی بودند توجهی به این افراد نداشته باشند و شرح حال آنها در منابع تاریخی بازتابی نداشته باشد.

از جمله این امامزاده‌ها، امامزاده‌ای مشهور به علی بن باقر در مشهد اردهال کاشان است که از امامزاده‌های نسبتاً مشهور مدفون در ایران است. در رابطه با این امامزاده تاکنون فعالیت‌های پژوهشی در جوانب مختلف آن به ویژه شخصیت این امامزاده و انتساب او به امام باقر و همچنین چگونگی مهاجرت ایشان به منطقه کاشان و کیفیت شهادت ایشان انجام شده است. در رابطه با انتساب این امامزاده به امام باقر عموم پژوهش‌ها بر این نکته تأکید دارند که امام باقر فرزندی به نام علی داشته است و بعضاً توضیحاتی در رابطه با جایگاه یا فعالیت‌های ایشان ارائه کرده‌اند (رک: مدنی کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۱۰-۱۳؛ علوی علی‌آبادی، ۱۳۹۶، صص ۸۱-۷۹) اما آنچه دارای اهمیت فراوان است این نکته است که قسمت اعظم پژوهش‌ها و تحقیق‌های انجام‌شده در رابطه با این امامزاده چگونگی مهاجرت علی بن باقر به کاشان، شرح فعالیت‌ها و کیفیت شهادت ایشان را به تذکره‌ای منتسب به قرن ۹ هجری از نویسندگانی ناشناس می‌کنند (رک: مدنی کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۲۲؛ علوی علی‌آبادی، ۱۳۹۶، ص ۸۰؛ صادقی، ۱۳۸۶، ص ۸۲) که آن

را ملا عبدالرسول مدنی کاشانی ذیل کتابی به نام شرح زندگانی و شهادت حضرت سلطانعلی بن امام محمد باقر به چاپ رسانده است. نکته دیگری که در رابطه با این تذکره جالب توجه است آن است که ملا عبدالرسول مدنی در مقدمه‌ای که برای این تذکره نوشته بیان کرده «لکن چند خبری را که در آخر نوشته، اگرچه جایی ندیده‌ام تکذیب هم نمی‌کنم» (مدنی کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۲۲) چنین بیانی نشان از آن دارد که ملا عبدالرسول مدنی اعتماد کاملی به آن تذکره نداشته است. تا قبل از این تذکره ظاهراً هیچ منبع مکتوبی به چگونگی حضور این امامزاده در منطقه اردهال و کیفیت زندگانی و شهادت ایشان اشاره نکرده‌اند و تنها در برخی آثار به مرقد و زیارتگاه بودن این منطقه اشاره شده است (رک: صادقی، ۱۳۸۶، ص ۸۲).

عبدالجلیل رازی در کتاب النقص و همچنین ابوالرضا راوندی در دیوان اشعار خود از قدیمی‌ترین متونی هستند که مربوط به نیمه اول قرن ششم هجری بوده و در آن به بقعه و زیارتگاه بودن امامزاده علی بن باقر اشاره کرده‌اند. رازی در النقص تنها در دو قسمت از کتاب خود اشاره کوتاهی به این موضوع دارد. یک مرتبه در بیان شرح وضعیت مذهبی و فرهنگی کاشان در زمان خود به این نکته اشاره کرده و می‌نویسد «عمارت مشهد امامزاده علی بن محمد الباقر بیار کرز است که مجدالدین فرموده است» (رازی، ۱۳۵۸، ص ۱۹۹) و در جای دیگر به زیارتگاه بودن این منطقه در قرن ششم اشاره دارد و می‌نویسد «و اهل قاشان به زیارت علی بن محمد الباقر که مدفون است بیار - کرسب با چندان حجّت و برهان که آنجا ظاهر شده است» (رازی، ۱۳۵۸، ص ۵۸۸).

آنچه در این پژوهش مورد توجه است اشارات ابوالرضا راوندی در دیوان خود در رابطه با بقعه امامزاده علی بن باقر در مشهد اردهال کاشان است که به مناسبت و در جاهای مختلف دیوان خود به آن اشاره کرده است. از آنجا که شهر کاشان و به‌طور کلی ایران در دوره مورد نظر یعنی نیمه اول قرن ششم هجری در سیطره غلبه حکام سلاجقه سنی‌مذهب قرار دارد طبیعتاً حوادث مرتبط با مناطق شیعه‌نشین در متون تاریخی این دوره بازتاب مناسبی نداشته است اما دیوان ابوالرضا راوندی با توجه به شرحی که از اوضاع کاشان در این دوره دارد، می‌توان به عنوان تاریخ محلی کاشان در این دوره از آن یاد کرد (رک: صادقی علوی، ۱۳۹۹، صص ۹۰-۷۱) در این پژوهش بر آن هستیم تا با بررسی تحلیلی گزارش‌های ابوالرضا راوندی در رابطه با این بقعه، بتوانیم به نتیجه‌ای مستند در رابطه با سابقه این بقعه و همچنین سابقه تشیع در کاشان دست یابیم.

پیشینه تحقیق

در رابطه با امامزاده علی بن باقر تاکنون پژوهش‌ها و تالیفات فراوانی انجام شده است. با یک تحقیق کوتاه در اینترنت نام تعداد زیادی کتاب که در رابطه با این امامزاده تالیف شده مشهود و نمایان می‌شود. نکته بارز در رابطه با این آثار آن است که مبنای تالیف اکثر این آثار همان تذکره‌ای است که آن را ملا عبدالرسول مدنی کاشانی ذیل کتابی به نام شرح زندگانی و شهادت حضرت سلطانعلی بن امام محمد باقر(ع) به چاپ رسانده است (ر ک: مدنی کاشانی، ۱۳۹۵) و برخی پژوهش‌ها نیز به دنبال اثبات رابطه نسبی این امامزاده با امام باقر بوده‌اند (علوی علی‌آبادی، ۱۳۹۶). آنچه در این آثار مورد توجه بوده یکی بحث انتساب این امامزاده به امام باقر(ع) است که عمدتاً بر مبنای منابع رجالی بوده و حاصل آن انتساب فرزندی به نام علی به امام باقر است، مبحث دیگر در این آثار موضوع کیفیت مهاجرت، زندگی و شهادت این امامزاده است که مبنای تمامی این آثار همان تذکره فوق‌الذکر است. در این پژوهش نه بحث رجالی انتساب این امامزاده به امام باقر(ع) مورد نظر است و نه تحقیق در مورد کیفیت حضور این امامزاده در کاشان و یا صحت و اعتبار این تذکره موجود.

آنچه در این پژوهش مورد نظر است بررسی تحلیلی و تاریخی قدیمی‌ترین سند مکتوب موجود در رابطه با امامزاده علی بن باقر است که تاکنون هیچ پژوهشی در رابطه با این موضوع انجام نشده است.

ابوالرضا راوندی و دیوان او

ضیاءالدین ابوالرضا فضل‌الله بن علی بن عبیدالله حسنی راوندی عالم و ادیب بزرگ سده ششم کاشان در حدود سال ۴۸۳ هجری قمری در راوند^۱ از توابع شهرستان کاشان به دنیا آمد (مرعشی نجفی، بی‌تا، ۴۵؛ قاسم‌پور، ۱۳۹۸، ۵۶). او برای کسب علم همچون اکثر علما در دوره‌های مختلف به مناطق زیادی مثل عراق، حجاز و شهرهای مختلف جهان اسلام سفر کرده (رک: راوندی، ۱۳۷۷: ۳۸؛ مرعشی نجفی، بی‌تا ۴۷) و با بسیاری از علمای شیعه و اهل سنت هم‌عصر خود ملاقات و مباحثه علمی داشته که برخی از آنها نیز شخصیت علمی و فضل او را ستایش کرده‌اند (رک: مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳۴-۲۹؛ راوندی، ۱۳۷۷، ۴۲؛ شاه‌نظری، ۱۳۹۱، ۶۳؛ رازی، ۱۳۶۶، ۹۶؛ کاتب اصفهانی، ۱۳۷۵، ۶۸/۹-۶۷؛ سمعانی، ۱۹۶۲، ۲۹۸/۱۰-۲۹۷).

توجه علمای قرن ششم به ابوالرضا راوندی نشان‌دهنده نقش و جایگاه علمی برجسته او در میان معاصرینش است. ابوالرضا شاگردان زیادی تربیت و آثار و تالیفات فراوانی نیز در حوزه‌های مختلف علوم ادبی و اسلامی دارد(رک: راوندی، ۱۳۹۷، مقدمه: ح- ز؛ مرعشی نجفی، بی‌تا، ۳۷-۳۵). نقل‌قول‌های مرتبط با تاریخ وفات ابوالرضا متفاوت است و از سال ۵۶۳ ه.ق تا ۵۷۴ ه.ق را به عنوان سال وفات این عالم بزرگ ذکر کرده‌اند. مدفن ابوالرضا راوندی در شهر کاشان در قبرستان محله پنجه‌شاه و نزدیک مسجد جامع قدیم شهر است (ر ک: مرعشی نجفی، بی‌تا، ۴؛ مهریزی، ۱۳۷۸، ۵۵-۵۴).

دیوان راوندی مشتمل است بر ۱۹۱۵ بیت شعر که ۵۵ بیت از اشعار این دیوان نقل قول از دیگران است و بقیه آن اشعار خود راوندی است (راوندی، ۱۳۳۴: ۲۶۸؛ قاسم‌پور، ۱۳۹۸، ۱۵۱). جلال‌الدین ارموی در سال ۱۳۳۴ این دیوان را تصحیح و چاپ کرده است، نسخه مورد استفاده ارموی برای تصحیح دیوان ابوالرضا راوندی نسخه شماره ۱۰۹ کتابخانه ملی است و ظاهراً این نسخه تنها نسخه موجود از این دیوان بوده که محدث ارموی به آن دسترسی پیدا کرده است و نسخه دیگری از این کتاب پیدا نکرده است (راوندی، ۱۳۳۴، مقدمه، ص ل.ح). از آنجا که قسمت زیادی از اشعار ابوالرضا در این دیوان مدح شخصیت‌های مختلف است او را در زمره شعرای مدیحه‌سرا محسوب کرده‌اند (قاسم‌پور، ۱۳۹۸، ۱۵۰-۱۵۱). ابوالرضا در دیوان خود در خلال مدح افراد به موضوعات مهم تاریخی و فرهنگی کاشان در قرن ششم نیز اشاره کرده است که این امتیاز دیوان او را به یکی از مهمترین اسناد تاریخی و بلکه مهمترین سند تاریخی شهر کاشان در قرن ششم مبدل ساخته است. از جمله این اشارات تاریخی قابل استناد اشاراتی است که او به بقعه علی بن باقر در این دوره دارد و این اشارات تا الان قدیمی‌ترین اسناد مکتوب موجود در رابطه با این امامزاده است.

اشارات ابوالرضا به علی بن باقر(ع)

راوندی به طور کلی در سه قصیده از دیوان خود به امام زاده علی بن باقر و مشهد و مدفن او اشاره دارد. این قصاید هیچکدام به صورت اختصاصی در رابطه با این امام زاده نیست بلکه راوندی ضمن بیان مسائل دیگری که مورد توجه او بوده به این امام زاده نیز به دلیل مرتبط بودن با آن موضوع اشاره کرده و بعضاً در این اشارات که شامل ابیاتی از این دیوان است به مسائل دارای اهمیت

۱. راوند نام شهرکی نزدیک کاشان است که منسوبان به این منطقه را راوندی می‌خوانند (رک: اعتمادالسلطنه، ۱۳۶۷، ۴/۲۱۰۹؛ یاقوت حموی، ۱۹۹۵، ۳/۱۹)

اولین نکته‌ای که از این قصیده و سایر قصاید راوندی در رابطه با این امامزاده و دیگر قصاید دیوان راوندی برداشت می‌شود آن است که تشیع در منطقه کاشان سابقه‌ای دیرینه داشته به طوری که در قرن ششم هجری این مذهب در منطقه کاشان تثبیت شده و مورد توجه عامه مردم است. از این جهت است که راوندی در بسیار از قصاید خود به تمجید و مدح اهل بیت می‌پردازد.

سید جلال‌الدین محدث ارموی که دیوان ابوالرضا را تصحیح و چاپ کرده است، براساس بیت اول و دوم این شعر معتقد است که مجدالدین نخستین کسی است که به عمارت این مشهد پرداخته است (راوندی، ۱۳۳۴، ۲۴۴) اگرچه به نظر می‌رسد براساس شعر این سخن درست باشد اما براساس سایر اشعار راوندی در رابطه با این مرقد به نظر می‌رسد این بقعه در این دوره بازسازی شده و راوندی به جهت مقتضیات شعری و محدودیت‌های وزنی در کنار سایر اقدامات و بناهای خیریه‌ای که مجدالدین در این دوره بنا کرده و قبل از او کسی بنا نکرده بوده، عمارت بقعه امامزاده را نیز در ردیف همان بناها ذکر کرده است. اما اشاره محدث ارموی بر این نکته که بنای فعلی از ساخته‌های دوره سلاجقه بوده و توسط مجدالدین کاشانی بنا شده (راوندی، ۱۳۳۴، ۲۴۴) درست می‌نماید.

نکته‌ای که برداشت محدث ارموی از این بیات در مورد اولین بنای ساخته‌شده برای این امامزاده توسط مجدالدین را بیشتر مورد تردید قرار می‌دهد شهرت این امامزاده در این دوره است که در قصاید بعدی بیشتر شرح داده خواهد شد.

قصیده دیگری که در آن راوندی به علی بن باقر اشاره می‌کند، قصیده‌ای است که او در رابطه با حمله سلاجقه به کاشان سروده است. این قصیده از جهت تاریخی و همین‌طور جغرافیای تاریخی اهمیت بسیار زیادی دارد. (رک: صادقی علوی، ۱۳۹۹، ۸۰-۷۶) در این قصیده در ادامه بیان حمله سلاجقه به روستاهای اطراف کاشان راوندی به حمله سلاجقه به مشهد علی بن باقر اشاره دارد که ضمن این اشعار نیز اطلاعات مفیدی در رابطه با این امامزاده در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد، اطلاعاتی که متأسفانه تا امروز کمتر مورد توجه پژوهشگرانی که در رابطه با این امامزاده پژوهش کرده‌اند قرار گرفته است.

فراوان تاریخی در مورد این امامزاده اشاره کرده است. برخی از این موارد امروزه نیز به همان صورت مورد توجه است اما برخی از اطلاعاتی که ابوارضا از قرن ششم در اختیار ما قرار می‌دهد امروزه با اختلافات اندکی مورد توجه عامه مردم است.

اشارات ابوارضا راوندی به امامزاده علی بن باقر (ع) را در سه حوزه اصلی می‌توان مورد بررسی قرار داد. موضوعات پیشینه تشیع در کاشان و قدمت مقبره امامزاده، انتساب امامزاده به امام باقر (ع) و موضوع محل شهادت و احیاء مرتبط با آن سه موضوع اصلی است که با استفاده از داده‌های تاریخی ابوالرضا راوندی در دیوان او می‌تواند مورد تحلیل و بررسی تاریخی قرار گیرد. در ادامه ابیات مرتبط با این موضوعات از دیوان ابوالرضا بیان و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

پیشینه تشیع در کاشان و قدمت بنای امامزاده

اولین قصیده‌ای که ابوالرضا در آن به امامزاده علی بن باقر اشاره کرده است، قصیده‌ای در مدح مجدالدین کاشانی است. مجدالدین کاشانی مهمترین و برجسته‌ترین شخصیتی است که در دیوان ابوالرضا راوندی مورد توجه بوده و در قصاید مختلف این دیوان به مدح او پرداخته شده است. مجدالدین کاشانی از بزرگان و متمولان شیعه کاشانی در این دوره است که در زمینه‌های عمرانی، فرهنگی، اجتماعی و حتی سیاسی شهر کاشان در این دوره بسیار تاثیرگذار بوده و از این جهت مورد توجه ابوالرضا راوندی قرار گرفته است (رک: راوندی، ۱۳۳۴: ۸-۶ و ۱۱-۱۳ و ۱۴-۱۳).

قصیده‌ای که در ادامه بیان خواهد شد ابیات پایانی قصیده است که در آن ابوالرضا راوندی ضمن مدح مجدالدین به بیان فعالیت‌های خیریه او می‌پردازد. از جمله این فعالیت‌های خیریه اقدام به تعمیر بنای قبر علی بن باقر است:

و مشهد صدق اودع الله بطنه
 ابالحسن ابن الباقر السید الذی
 طوی سره دهرا و اسبل دونه
 عباہ لمجد الدین خیر ذخیره
 ودیعه ال مصطفی عتره الہدی
 و لم یاتمن رب السماوات غیره
 ودیعه سر من کرام اخایر
 غذا لعلوم الدین ابقر باقر
 ستائر ما یدرک فی الستائر
 و کل عزیز یقتفی بالذخائر
 تعورها سورات اید جوائر
 علیها و عندالله علم الضمائر^۱

(راوندی، ۱۳۳۴، ص ۵۳-۵۲)

برای مجدالدین به عنوان بهترین ذخیره مهیا ساخت و ذخیره‌های هر عزیزی به خود او می‌رسد، آن ودیعه و امانت اهل بیت مصطفی و عترت هدایت است که بی‌دریبی شامل آن می‌شود، و پروردگار آسمان‌ها امین قرار نداد بر آن ودیعه غیر از مجدالدین را و علم ضمائر نزد خداوند است.

۱. و نیز از آثار او مشهد صدقی است که خداوند در آن امانت گذاشته سر خود را که از بزرگان و خوبان است، یعنی ابالحسن فرزند امام باقر بزرگوار آنچنان که شکافت علوم دین را شکافته‌تر از هر شکافنده‌ای، طومار سر آن بزرگوار را در هم پیچیده در روزگاری و پرده‌هایی آویخت بر آن که نمی‌دانی در آن پرده‌ها چیست، خدا آن را

امامزاده پیش از دیوان ابوالرضا موجود نیست (رک: صادقی، ۱۳۸۶: ۸۷-۸۲) اما جایگاه و شهرت آن در قرن ششم هجری نشان‌دهنده پیشینه سابقه تشیع در منطقه کاشان و از طرف دیگر تاییدی است بر حضور این امامزاده در این منطقه در قرون نخستین هجری. آخرین نکته مورد توجه و تاکید راوندی در این قصیده در رابطه با علی بن باقر، نقش مجدالدین در بنای عمارت امامزاده در این دوره است که این موضوع نیز در این قصیده بیان شده است که در قصیده‌ای دیگر به صورت مفصل اقدامات مجدالدین در مشهد علی بن باقر را شرح می‌دهد.

سومین قصیده‌ای که در آن ابوالرضا راوندی از مشهد علی بن باقر یاد می‌کند قصیده‌ای است که او بعد از سفر به مشهد بارکوز و حضور در مرقد امامزاده علی بن باقر و از آنجا برای مجدالدین کاشانی می‌سراید. پیشتر اشاره شد که یکی از ممدوحان اصلی ابوالرضا راوندی، مجدالدین است به سبب اقدامات خیر و عام المنفعه‌ای که او انجام داده است. در این قصیده به سبب حضور ابوالرضا در بارکوز به صورت اختصاصی شرح اقدامات و فعالیت‌های مجدالدین در مشهد علی بن باقر مورد توجه راوندی است.

کتاب الی مجد الدین من المشهد ببارکوز علی ساکنه السلام

توسلت فیها بللفتی الذی
توطن هذا المشهد الطاهر الطهرا
عینت ابن بنت المصطفی و وصیه
اخاالصادق ابن الباقر السید الجبرا
لعمری لمدق اویته و نصرته
و عرفته من بعد تزییعه دهرا
و شدت علی مثنوا خیر بنیه
تلوح علی عشر کمالات الشعری
فمن قبه علویه علویه
تطیف بمبناها ملائکه تتری
و سور کسور الردم اونقت صنه
فخصصه بطننا و طینته ظهرا
و نهر کان الله فجر فیضه
من الجنته الزهراء اطیب به نهرا
و حمام صدق حاز وصف جهنم
و جنه عدن اذ حوی الطیب والحرا
نزلنا علی ان المقام ثلاثه
و طلبت لنا حتی اقمنا بها شهرا
(راوندی، ۱۳۳۴، ۱۲۷-۱۲۵)

اهمیت و ویژگی خاص این قصیده نسبت به دیگر قصاید ابوالرضا راوندی که در آن به امامزاده علی بن باقر اشاره کرده آن است که دیگر قصاید او در رابطه با موضوع دیگری بوده که در آن به علی بن باقر نیز اشاره شده بود اما در رابطه با این قصیده می‌توان گفت به صورت اختصاصی در رابطه با این امامزاده است. شرح

قصدا البارکرسف قریه مشهد
لم یرقبوا الا لمشهدها و لا
لکنهم لما راو مشهدا
ذهبیه جدرانه فضیه
کالزهره للزهراء یلمع نورها
شهدت لرافعه جلاله قدره
لو ان مانی عاینته عینه
بکر للزمان و ناطق بکماله
بانیه مجدالدین حقا و الذی
استشعروا منه فقوض جمعهم
فانفل عزمهم و لم ینجاسروا
(راوندی، ۱۳۳۴، ۸۳-۸۲)^۱

براساس اشعار فوق و به گزارش راوندی، سلاجقه قصد داشتند به بارگاه این امامزاده حمله کرده و آنجا را غارت کنند. کما اینکه در قسمت‌های دیگر همین قصیده راوندی بیان کرده که در مناطق دیگر کاشان مثل راوند سلاجقه به منازل سادات و مساجد حمله کرده و آنجا را غارت کرده‌اند (رک: راوندی، ۱۳۳۴، ۸۳؛ صادقی علوی، ۱۳۹۹، ۷۸) و از حمله به اماکن مذهبی ابایی نداشتند، در رابطه با بقعه این امامزاده هم ظاهراً چنین قصدی داشته‌اند اما براساس گزارش راوندی وقتی شوکت و ابهت بنای این مقبره را می‌بینند از حمله به آن و غارت آنجا صرف‌نظر می‌کنند. اگرچه آن‌طور که راوندی در این قصیده و در برخی قصاید دیگر بیان کرده، در این دوره و با کمک مجدالدین عمارت این امامزاده تجدید بنا شده است، اما به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه مانع از غارت این امامزاده توسط سلاجقه شده باشد میزان شهرت این امامزاده و انتسابش به اهل بیت بوده که مانع حمله سلاجقه به آن شده و گرنه بزرگی و عظمت بنای یک امامزاده طبیعتاً نمی‌تواند مانع خوبی از صرف‌نظر کردن سلاجقه از غارت آن مکان داشته باشد، به ویژه که براساس گزارش ابوالرضا طلا و نقره هم در ساختمان آن به کار رفته بود و جذابیت غارت آن را برای مهاجمان بیشتر می‌کرد. وجود چنین گزارشی از قرن ششم در رابطه با جایگاه این امامزاده چه در بین مردم منطقه و چه در جهان اسلام در آن دوره، بیش از هر چیز مؤید این نکته است که اگرچه مستند تاریخی مکتوب در مورد این

این بنا فضل بانی ظاهر می‌شود، اگر چشم مانی نقاش این مشهد را دیده بود به کوتاهی خود از کشیدن چنین تصویری اقرار می‌کرد، این مشهد در زمانه بکر است و چه بسا کسانی که کمال این بنا را بیان می‌کنند و مدح و ثنای بانی آن را به هزار زبان ثنا می‌گویند، بانی آن مجدالدین است حقیقتاً و او یاری‌کننده اسلام و ایمان است، آنها این مساله را فهمیدند و جمعشان تضعیف شد. از مشهد او به اعتبار دین عزم آنها شکست و جرات جسارت نکردند که با استبداد به آن جسارت نکنند.

۱. لشکر سلجوقی قصد بارکرسف کردند که این روستا محل شهادت نوه مطهر پیامبر از بنی‌عدنان است، آنها به واسطه بغض و کینه‌ای که داشتند قصد داشتند حرمت محل شهادت او را رعایت نکنند. اما آنها وقتی مقبری آن با دیوارهای ضخیم و بنای عالی دیدند، دیوارهای آن در مقابل دیدگان بیننده مانند طلا و ساخت آن مانند نقره درخشان است، چون ستاره زهره درخشنده که نور آن ظاهر می‌شود و اشخاص دور و نزدیک به آن پناه می‌برند، جلالت قدر آن مشهد فضل بانی آن را بالا می‌برد و به واسطه بنیان

ص ۲۲) آنچه در این رابطه از قصاید ابوالرضا که مرتبط با این امامزاده است برمی‌آید آن است که در قرن ششم هجری موضوع انتساب این امامزاده به امام باقر بسیار مشهور و مورد توجه همه مردم بوده است و کسی در این موضوع تردید نداشته است. در هر سه قصیده‌ای که ابوالرضا به این امامزاده اشاره کرده است این موضوع بیان شده و تکرار این موضوع در هر سه قصیده نشان از اشتها این موضوع در دوره حیات شاعر دارد.

در بیت سوم از اشعار این قصیده به کنیه این امامزاده یعنی ابالحسن و همین‌طور انتساب ایشان به امام باقر اشاره شده است. این کنیه که در قرن ششم متداول و مشهور بوده است در دوره معاصر نیز مشهور است و همچنان این امامزاده با کنیه ابوالحسن مورد خطاب قرار می‌گیرد:

ابالحسن ابن الباقر السید الذی غدا لعلوم الدین ایقر باقر^۱
(راوندی، ۱۳۳۴، ص ۵۳-۵۲)

در قصیده دیگری که ابوالرضا راوندی به شرح اقدامات مجددالدین در مشهد این امامزاده می‌پردازد این موضوع مورد تاکید وی قرار گرفته است:

عنیت ابن المصطفی و وصیه اخا الصادق بن الباقر السید الحبر^۲
(راوندی، ۱۳۳۴، ۱۲۶)

در این قصیده نیز همچون قصیده‌های قبل، انتساب این امامزاده به امام باقر و همچنین برادری ایشان با امام صادق(ع) مورد تایید و تاکید ابوالرضا راوندی است: عنیت ابن المصطفی و وصیه اخا الصادق بن الباقر السید الحبر. تایید و تاکید بر این نسب توسط راوندی دارای اهمیت فراوانی است چرا که راوندی تنها یک شاعر نیست که در شعر خود اشاره‌ای به این امامزاده و نسب او داشته باشد بلکه یکی از علمای بزرگ شیعه در قرن ششم هجری است که در حوزه‌های مختلف علوم اسلامی به ویژه حدیث و نهج‌البلاغه در زمره بزرگترین علمای زمان خود است (رک: راوندی، النوادر: ۳۸؛ مرعشی نجفی، لمعه النور و الضیاء فی ترجمه السید ابی الرضا: ۴۷؛ مرعشی نجفی، موسوعه العلامه المرعشی، ج ۱: ۲۷۶-۲۷۵؛ شاه‌نظری: ۶۳).

محل شهادت و احادیث مرتبط به آن

موضوع دیگری که در دیوان ابوالرضا راوندی در رابطه با مشهد این امامزاده مورد توجه قرار گرفته عنوان روستا یا محل شهادت و دفن

خاص اقدامات مجددالدین کاشانی در مشهد بارکرز و تجدید بنای عمارت امامزاده و همچنین ساخت امکانات رفاهی و عام‌المنفعه برای زائرین و مجاورین این امامزاده از موضوعات مورد توجه راوندی در این قصیده است.

نکته قابل توجه دیگر در این قصیده آن است که براساس گزارش ابوالرضا، مجددالدین نخستین کسی نبوده که برای این امامزاده بارگاه ساخته است: لعمری لقد اویته و نصرته و عرفته من بعد تضييعه دهرا (راوندی، ۱۲۶)

براساس این بیت از این قصیده، پیش از این دوره این امامزاده بنایی داشته است که به مرور زمان تخریب شده و در این دوره توسط مجددالدین بازسازی شده است (رک: جعفریان، ۱۳۸۷، ۲۱۵)، همین گزارش نشان‌دهنده قدمت و سابقه حضور این امامزاده در این منطقه است به طوری که در این دوره بنای پیشین این بقعه به تدریج و به مرور زمان از بین رفته است ضمن اینکه در این دوره مشخص نشده که آیا پیش از این دوره نیز این بقعه بازسازی شده است یا خیر.

حجم اقدامات و فعالیت‌های عمرانی صورت گرفته در این دوره در کنار بارگاه علی بن باقر نیز از موارد قابل توجه و قابل تامل در رابطه با این امامزاده است. شرح مفصل ابوالرضا از این اقدامات همچون ساخت حمام، مسافرخانه، آبرسانی و موارد دیگر تأکیدی است بر جایگاه این امامزاده در قرن ششم هجری بین مردم و اهمیتی که برای شیعیان داشته است. براساس گزارش ابوالرضا آنقدر امکانات رفاهی مناسب در این دوره برای امامزاده ساخته شده که راوندی که قصد اقامت سه روزه در این مکان را داشته، یک ماه در این منطقه اقامت می‌کند: نزلنا علی ان المقام ثلاثه و طابت لنا حتی اقمنا بها شهرا (راوندی، ۱۳۳۴، ۱۲۷-۱۲۵).

انتساب امامزاده به امام باقر (ع)

یکی از مسائلی که در رابطه با این امامزاده بسیار مورد توجه است و در پژوهش‌های مختلف مورد توجه قرار گرفته بحث انتساب این امامزاده به امام باقر (ع) است. در این رابطه پژوهش‌هایی انجام شده که عموماً بر این نکته تأکید دارد که امام باقر فرزندی به نام علی داشته است اما چگونگی مهاجرت و حضور او در منطقه کاشان مستند به تذکره‌ای از نویسنده ناشناس از قرن نهم است که پیش از این در رابطه با آن توضیح داده شد(رک: مدنی کاشانی، ۱۳۹۵،

۲. قصد کردم (زیارت) پسر دختر مصطفی و وصی او که برادر امام صادق است، فرزند امام باقر که بزرگوار و دانشمند است.

۱. ابالحسن فرزند امام باقر بزرگوار آنچنان که شکافت علوم دین را شکافته‌تر از هر شکافته‌ای.

یعنی زمان حیات این دو امام بزرگوار می‌رسد و با توجه به سابقه تشیع در کاشان و ارادت مردم این منطقه به اهل بیت(ع) (رک: صادقی، ۱۳۸۶، کل کتاب) باید در قرن ششم هجری محل شهادت این امامزاده به مشهد اردهال شهرت داشته باشد اما آنچه از قصیده فوق و قصیده بعدی که در قرن ششم هجری توسط ابوالرضا راوندی که از علمای بزرگ شهر کاشان در این دوره است، سروده شده و همچنین دیگر متون این دوره برمی‌آید برخلاف آنچه در عصر حاضر مشهور است، در قرن ششم محل شهادت این امامزاده به مشهد بارکرسف یا مشهد بارکرسف مشهور بوده است. نام روستایی که هم‌اکنون در مجاورت محل دفن این امامزاده قرار دارد.

در این قصیده صراحتاً راوندی بیان می‌کند که بعد از اردهار (قصداً البارکرسف قریه مشهد السبط المطهر من بنی عدنان) و در رابطه با اردهار یا اردهال هیچ اشاره‌ای به مشهد امامزاده نمی‌کند. این گزارش تاریخی از یکی از علمای بزرگ شهر کاشان در قرن ششم هجری بیانگر این واقعیت تاریخی است که در این قرن آنچه شهرت داشته مشهد بارکرسف یا بارکرسف است نه مشهد اردهال و به نظر می‌رسد در دوره‌های بعد کلمه اردهال معمول شده باشد. گزارش عبدالجلیل قزوینی رازی که از معاصران راوندی است در النقض در رابطه با علی بن باقر نیز موید این نکته است و تاکید بر مشهد بارکرسف دارد و نامی از اردهال نیست (رازی، ۱۳۵۸، ص ۵۸۸، ۱۹۹).

در تذکره موجود در رابطه با این امامزاده هم تنها یک مرتبه به اردهال اشاره شده آن هم به عنوان یکی از مناطق تحت امر حاکم این منطقه به این مضمون که: حارث ملقب به زرین نعل حاکم اردهال، قم و بارکرسف بود (مدنی کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۳۲) که بر این اساس ظاهراً بارکرسف حتی جزئی از اردهال نبوده و منطقه‌ای جداگانه بوده است. در همین تذکره بارها به حضور علی بن باقر در بارکرسف و علاقه مردم آنجا به وی اشاره شده است (رک: مدنی کاشانی، ۱۳۹۵، ص ۶۸-۲۰) ظاهراً و براساس گزارش برخی منابع تا قرن یازدهم هم همچنان این منطقه به مشهد بارکرسف مشهور است (رک: منشی قمی، ۱۳۸۳، ۱: ۱۶۱) و نامی از مشهد اردهال در گزارش‌های تاریخی نیست.

این امامزاده است. راوندی در عنوان قصیده‌ای که در رابطه با اقدامات عمرانی مجدالدین کاشانی در این منطقه است به نام محل مقبره این امامزاده اشاره دارد: و می‌نویسد: کتب الی مجدالدین من المشهد ببارکرسف علی ساکنه السلام (راوندی، ۱۳۳۴، ۱۲۵). در این قصیده راوندی هیچ اشاره‌ای به اردهال یا اردهار ندارد. او همچنین در قصیده‌ای که در مورد حمله سلاجقه به کاشان است و از جهت تاریخی و جغرافیای تاریخی کاشان ارزش تاریخی فراوانی دارد به این موضوع اشاره کرده است.

ابوالرضا راوندی در این قصیده ضمن اطلاعات تاریخی فراوانی که در هیچ منبع تاریخی این دوره مورد توجه قرار نگرفته، به نام بسیاری از آبادی‌ها و روستاهای اطراف کاشان اشاره دارد که برخی از آنها دیگر وجود ندارد ولی بسیاری از آنها همچنان به همان نام باقی است (رک: صادقی علوی، ۱۳۹۹، ۸۰-۷۶). راوندی در این قصیده در ادامه بیان حمله سلاجقه به روستاهای اطراف کاشان، به حمله سلاجقه به مشهد علی بن باقر و منطقه اردهار اشاره دارد:

راموا {الوقوف} باردهار ریثما تاوی اشبائهم مع السلطان
ففاستجمعوا متوافرین و شمروا مستیطین کوا من الاضغان
قصداً البارکرسف قریه مشهد السبط المطهر من بنی عدنان
(راوندی، ۱۳۳۴، ۸۲)

این قصیده همانطور که پیشتر اشاره شد در رابطه با اسامی روستاها و آبادی‌های اطراف کاشان در قرن ششم هجری دارای اهمیت فراوانی است. همین جهت اهمیت را می‌توان در این قصیده در رابطه با مشهد علی بن باقر هم دریافت. آنچه که امروزه در رابطه با مشهد این امامزاده مشهور است، شهرت منطقه و محل شهادت به اردهار یا اردهال است به طوری که منطقه به مشهد اردهال شهرت یافته است. این شهرت تا جایی ریشه دارد که در برخی کتاب‌ها در رابطه با این امامزاده به احادیثی اشاره شده که در آنها به اردهال یا اردهار اشاره شده است. به عنوان نمونه حدیث (نعم الموضع الأردهال، فالزم و تمسک به) منسوب به امام رضا (ع) و حدیث (مَنْ زَارَ أَخِي سُلْطَانَ عَلِيٍّ بِأَرْدَهَالِ كَمَنْ زَارَ جَدِّي سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ بِكَرْبَلَاءِ) منسوب به امام صادق (ع).

فارغ از بررسی اینگونه احادیث از نظر سندی، رجالی و یا درایه‌ای، بر مبنای این روایات، شهادت علی بن باقر در منطقه اردهال و شهرت مشهد این امامزاده به اردهال به قرن دوم هجری

۱. در اردهار متوقف شدند تا همه آنها نزد سلطان اقامت کردند، پس آنانی را که در دسترس بودند گرد آوردند و دشمنان پر از نفرت را گرد هم آوردند لشکر سلجوقی قصد بارکرسف کردند که این روستا محل شهادت نوه مطهر پیامبر از بنی عدنان است.

نتیجه

دیوان ابوالرضا راوندی قدیمی‌ترین منبع مکتوب موجود در رابطه با مشهد امامزاده علی بن باقر است که گزارش‌های این منبع ادبی از نظر تاریخی دارای اهمیت فراوانی است. راوندی که براساس گزارش خودش در این دیوان به مشهد این امامزاده سفر داشته و مدتی در آنجا اقامت گزیده است در دوره خود از نزدیک با آن آشنا بوده و طبیعتاً گزارش‌های او در رابطه با این امامزاده از جهت تاریخی بسیار دارای اهمیت خواهد بود.

گزارش‌های تاریخی ابوالرضا راوندی در رابطه با مشهد امامزاده از چند جهت دارای اهمیت است. پیشینه تشیع در کاشان و قدمت بنای امامزاده، انتساب این امامزاده به امام باقر (ع) و محل شهادت امامزاده و احادیث مرتبط با آن، تاکید ابوالرضا راوندی به عنوان یکی از علمای برجسته این دوره بر انتساب این امامزاده به امام باقر و شهرت این موضوع در قرن ششم از جمله موارد مهمی است که چندین مرتبه مورد تایید و تاکید راوندی قرار گرفته و بر این اساس در قرن ششم تردیدی در این مسئله وجود نداشته است اگرچه براساس منابع موجود نمی‌توان به صورت قطعی این موضوع را تایید کرد.

اشاره ابوالرضا به بازسازی بنای این امامزاده در قرن ششم و اشاره او به اینکه این مشهد پیش از این بنایی داشته و به مرور زمان تخریب شده است نشان‌دهنده سابقه و پیشینه تشیع در منطقه و همچنین اهمیت و جایگاه این امامزاده برای مردم منطقه کاشان دارد و گواهی می‌دهد در دوره‌های قبل بنایی برای این امامزاده وجود داشته و در این دوره بازسازی شده است که بنای فعلی ظاهراً همان بنای بازسازی شده دوره سلاجقه است. عدم تعرض سلاجقه به مرقد این امامزاده نیز تا حدود زیادی متأثر از جایگاه و شهرت این امامزاده در بین مسلمانان این دوره است.

دو موضوع که امروزه بسیار شهرت دارد و ظاهراً در قرن ششم و حتی بعد از آن چندان شهرت نداشته است یکی عنوان مشهد اردهال است و دیگری موضوع سنت قالی‌شویان. نه تنها ابوالرضا راوندی و معاصران او بلکه حتی تا قرن دهم هم عموماً وقتی از مرقد این امامزاده یاد می‌شود به مشهد بارکرز و یا مشهد بارکرسف (نام روستایی در نزدیکی مرقد این امامزاده) اشاره می‌شود و هیچ نامی از مشهد اردهال نیست و ظاهراً اردهال یا اردهار منطقه‌ای در مجاورت مرقد این امامزاده است که احتمال توسعه شهری در دوره‌های متاخر باعث شده تا این منطقه به مشهد اردهال نامگذاری شود. بر این اساس می‌توان گفت احادیثی که در آن از اردهار یا اردهال یاد شده ارتباطی با مرقد این امامزاده ندارد. از طرف دیگر

ظاهراً تاریخ قم قدیمی‌ترین منبعی است که در آن به حدیث مرتبط با اردهال اشاره شده است: راوی روایت کند از احمد بن محمد بن عیسی و او از حسن بن محمود سراج و او از ابی جمیله المفضل بن صلح اسدی و او از حبلی که او گفت که من از ابی عبد الله شنیدم که او فرمود که چون همه شهرها پرفتنه و بلا گردند و آشوب و اضطراب در جهان عام شود بر شما باد که پناه با قم دهید و با حوالی و نواحی آن که بلا از قم مدفوع و مصروفست و هم او گوید که حدیث کرد مرا احمد بن خزرج بن سعد از برادر خود موسی بن خزرج که او گفت من شنیدم از ابی الحسن الرضا علیه‌السلام که او مرا گفت روزی از روزها موضعی که آن را ویرادهار گویند می‌دانی و می‌شناسی گفتم بلی مرا در آن موضع دو ضیعه است ابوالحسن الرضا گفت بدان ملازم باش و متمسک شو و فرمود سه نوبت که نعم الموضع ویرادهار یعنی نیک موضعیست ویرادهار(قمی، ۱۳۶۱، ۹۷؛ نائینی اردستانی، ۱۳۸۱، ۸۱۰؛ مجلسی، ۱۳۶۸، ج ۵۷، ص ۲۱۴). در متون دیگری که به واژه ویرادهار اشاره شده عموماً به روایتی از پیش‌بینی آینده از حضرت امیر اشاره دارد که مردم قم در حادثه‌ای برای نجات جان خود به کوهی به نام ویرادهار در نزدیکی قم پناه می‌برند که براساس این گزارش‌ها نیز باید این کوه در نزدیکی قم و در دسترس مردم آن بوده باشد (رک: رک: قمی، ۱۴۱۴، ج ۷، ص ۳۵۸) گذشته از آنکه کتاب تاریخ قم، کتاب حدیثی نیست، در این حدیث نیز به ویرادهار اشاره شده که به جهت شباهت با اردهال و همچنین نزدیکی به قم با این منطقه مطابقت داده شده است اما در همین روایت منتسب به امام رضا (ع) نیز هیچ اشاره‌ای به علی بن باقر و محل شهادت او نشده است اگرچه برخی نویسندگان دوره معاصر صدور چنین حدیثی را دلیلی بر اهمیت واقعه اردهال و شهادت علی بن باقر دانسته‌اند (رک: زجاجی کاشانی، ۱۳۸۶، ۱۰۶). حدیث: مَنْ زَارَ أَخِي سُلْطَانَ عَلِيٍّ بِأَرْدَهَالِ كَمَنْ زَارَ جَدِّي سَيِّدَ الشُّهَدَاءِ بِكَرْبَلَاءِ) منسوب به امام صادق (ع) که در مقبره این امامزاده نیز نصب شده است تنها در برخی متون معاصر ذکر شده (رک: سلیمانی، ۱۳۸۳، ۵۸) و ظاهراً در متون حدیثی یا غیر حدیثی دیگر وجود ندارد یا حداقل نویسنده حاضر این حدیث را در منبعی نیافتیم. با این اوصاف و همچنین اشتها امروزه مدفن این امامزاده به مشهد اردهال، احادیث فوق‌الذکر که در آنها از اردهال یا اردهار یاد شده است محل تامل بیشتری است.

مشهورترین سنت تاریخی که الان در رابطه با این امامزاده هر ساله در دومین جمعه مهرماه برگزار می‌شود سنت قالی‌شویان است که رواندی در دیوان خود هیچ اشاره‌ای به این موضوع ندارد که البته عدم اشاره ابوالرضا به این سنت نمی‌تواند دلیل بر عدم وجود این سنت باشد و تنها شاید بتوان چنین برداشت کرد که در قرن ششم حداقل این سنت اگر هم برگزار می‌شده است چندان شهرتی نداشته و مورد توجه ابوالرضا رواندی قرار نگرفته است.

منابع

- اعتمادالسلطنه، محمدحسن بن علی، مرآة البلدان، مصحح عبدالحمین نوایی، هاشم محدث، تهران، دانشگاه تهران، ۱۳۶۷.
- جعفریان، رسول، تاریخ تشیع در ایران، تهران، نشر علم، ۱۳۸۷.
- رازی، منتجب الدین، علی بن بابویه، الفهرست، تحقیق محدث ارموی، قم، کتابخانه آیت‌الله مرعشی نجفی، ۱۳۶۶.
- رازی قزوینی، عبدالجلیل، النقص، مصحح جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸.
- راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی، النوادر، تحقیق سعید رضا علی عسکری، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۷.
- راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی، دیوان، تصحیح جلال‌الدین محدث ارموی، تهران، چاپخانه مجلس، ۱۳۳۴.
- راوندی، ابوالرضا فضل‌الله بن علی، ضوء الشهاب، تحقیق حسن قاسمی، تهران، ۱۳۹۷.
- زجاجی کاشانی، مجید، هندسه همسایگان حضرت علی بن باقر، کاشان، مرسل، ۱۳۸۶.
- سمعی، عبدالکریم بن محمد، الانساب، تحقیق عبدالرمن بن یحیی معلمی، حیدرآباد، مجلس دائره المعارف العثمانیه، ۱۹۶۲م.
- سلیمانی، مهدی، کرامات باهر از حضرت علی بن باقر، قم، عصر ظهور، ۱۳۸۳.
- شاه‌نظری، حسین، درنگی در ضوء الشهاب و دست‌نوشته‌های آن، فصلنامه آیین پژوهش، شماره ۱۳۶ و ۱۳۵، مرداد و آبان، ۱۳۹۱.
- صادقی، مصطفی، کاشان در مسیر تشیع، قم، شیعه شناسی، ۱۳۸۶.
- صادقی علوی، محمود، دیوان ابوالرضا رواندی تاریخ محلی کاشان در قرن ششم هجری، فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام، سال دهم، شماره ۳۸، تابستان ۱۳۹۹، صص ۷۱-۹۰.
- علوی علی‌آبادی، فاطمه، محمد سپهری، سید علیرضا واسعی، راز کاوی مهاجرت علی بن محمد باقر به کاشان و پیامدهای آن، پژوهش نامه تاریخ اسلام، سال هفتم، شماره ۲۵، بهار ۱۳۹۶، صص ۷۷-۹۶.
- قاسم‌پور رواندی، محسن، سلامی رواندی، محمد، نقش سید ابوالرضا رواندی در گسترش میراث حدیثی شیعه، دو فصلنامه علمی کاشان شناسی، بهار و تابستان، شماره ۲۲: ۸۰-۵۵، ۱۳۹۸.
- قمی، عباس. ۱۴۱۴. سفینة البحار و مدینة الحکم و الآثار مع تطبیق النصوص الواردة فيها علی بحار الأنوار. قم - ایران: سازمان اوقاف و امور خیریه، انتشارات اسوه.
- قمی، حسن بن محمد، تاریخ قم، توس، تهران، ۱۳۶۱ ه.ش.
- کاتب اصفهانی، عمادالدین، خریده القصر و جریده العصر، بغداد مجمع علمی العراقی، ۱۳۷۵ق.
- مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی، مسترحمی، هدایت‌الله، غفاری، علی‌اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمدتقی، محمودی، محمدباقر، خراسان، محمدمهدی، و دیگران. ۱۳۶۸-۱۴۰۳. بحار الأنوار. ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی.
- مرعشی نجفی، لمعه النور و الضیاء فی ترجمه السید ابی الرضا، به اهتمام فخرالدین نصیری امینی، چاپخانه حیدری، بی‌جا، بی‌تا.
- مدنی کاشانی، عبدالرسول، شرح زندگانی و شهادت حضرت سلطانعلی ابن امام محمد باقر، کاشان، مرسل، ۱۳۹۵.
- منشی قمی، احمد بن حسین، خلاصة التواریخ، مصحح احسان اشراقی، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۸۳.
- مهریزی، مهدی، میراث حدیث شیعه، قم، دارالحدیث، ۱۳۷۸.
- نائینی اردستانی، محمد بن علی بن حسین، ریاض المحدثین فی ترجمه الرواه والعلماء القمیین من المتقدمین و المتأخرین، قم، مکتبه آیت الله مرعشی، ۱۳۸۱.
- یاقوت حموی، یاقوت بن عبدالله، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، ۱۹۹۵.